

واکاوی جنگ‌های آبی جهت نیل به صلح پایدار آبی

میلاذ باری پور،* محمدصادق صادقیان** و مجتبی انصاریان***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲۱	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۳۰	شماره صفحه: ۵-۳۰
-------------------	-------------------------	------------------------	------------------

آب مهمترین عنصر حیاتی در زندگی انسان از عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی و ... تأثیرگذار و تأثیرپذیر است. از یک سو کمبود منابع آب شیرین و از سوی دیگر توزیع ناهمگون مکانی و زمانی آن از نظر مقدار و مرزهای جغرافیایی موجب شده تا آب و تقسیم آن به یکی از موضوعات مهم در سطوح ملی و به ویژه فراملی در حوضه‌های آبریز فرامرزی تبدیل شود.

در پژوهش حاضر به این مهم پرداخته شده که چگونه می‌توان از آب به عنوان سرچشمه حیات و عامل جنگ و خشونت ورزی به عنوان فرصتی برای نیل به صلح پایدار استفاده کرد؟

در پژوهش به جنگ‌های آبی در مقیاس‌های مختلف ابعادی، عاملیتی و مکانی پرداخته شده است. در روند این پژوهش ۹۲۶ درگیری و جنگ شناسایی شد که در آن «آب» در سه نقش «عامل»، «سلاح» و «تلفات» ایفای نقش داشته است. نکته بسیار مهم آنکه عامل و محرک بیش از ۳۰ درصد این جنگ‌ها آب بوده است. همچنین به واژه‌شناسی «صلح» پرداخته و در نهایت تعریف جامعی از «صلح پایدار آبی» با توجه به عوامل تأثیرگذار ارائه شد؛ چرا که با توجه به پژوهش‌ها و بررسی‌های انجام شده رسیدن به یک تعامل مثبت به ویژه در زمینه تخصیص آب‌های فرامرزی یکی از مهمترین دغدغه‌های طرفین مذاکرات آبی است.

کلیدواژه‌ها: آب؛ دیپلماسی آب؛ جنگ آب؛ حوضه‌های فرامرزی؛ صلح؛ صلح پایدار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* دانشجوی دکتری دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران؛

Email: baripour.m@gmail.com

** استادیار گروه عمران دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: m.sadeghian@iauctb.ac.ir

*** استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور؛

Email: m-ansarian@pnu.ac.ir

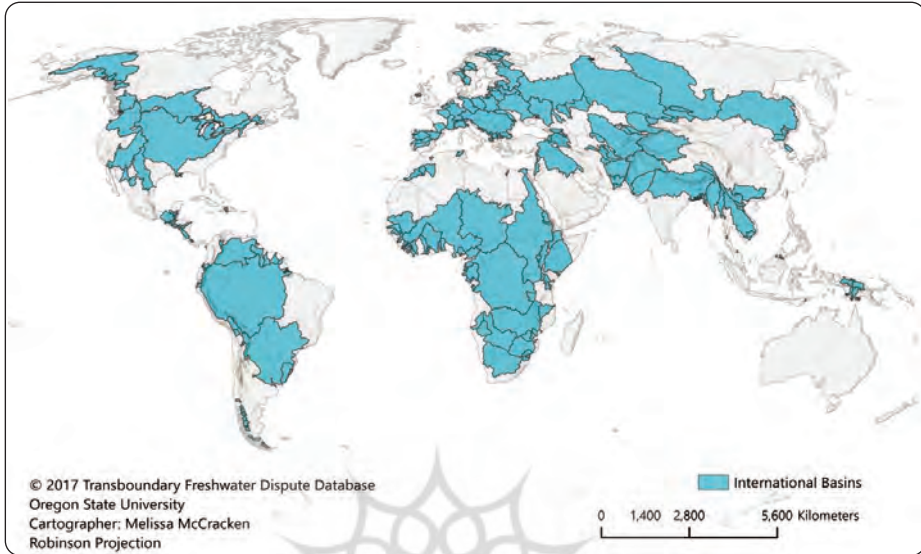
مقدمه

۲۸۶ حوضه آبریز مشترک بین ۱۵۱ کشور جهان وجود دارد و بیش از ۴۲ درصد جمعیت زمین در این مناطق زندگی می‌کنند که تقریباً نیمی از سطح کره زمین را تشکیل می‌دهند. رودخانه‌های فرامرزی نیز ۶۰ درصد از جریان‌های آب شیرین جهان را تشکیل می‌دهند.

این حوضه‌های مشترک بسترساز توسعه اقتصادی، اجتماعی و رفاه بشری را فراهم کرده و دارای مقیاس وسیعی از تنوع زیستی جهان است (Water, 2016: 120). مرز این حوضه‌های مشترک از مرزهای سیاسی بین کشورها فراتر رفته و از این طریق، کشورهای مشترک‌المنافع مختلفی را در زمینه‌های زیست‌محیطی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی به همدیگر پیوند داده است. یکی از چالش‌های اصلی پیش رو، مدیریت منابع آب‌های مشترک مرزی است که نیازمند هماهنگی مجموعه‌ای از قوانین حقوقی و سیاسی کشورهای مختلف است. منابع آب‌های مرزی با چالش‌های بزرگ ناشی از افزایش مداوم جمعیت، صنعتی شدن، شهرنشینی، تخریب محیط زیست و همچنین تغییر اقلیم و تغییرات هیدرولوژیکی روبه‌رو هستند، به طوری که حتی در حوضه‌هایی که دارای موافقت‌نامه هستند، اجرای توافقات با مشکل روبه‌رو شده است در نتیجه مناقشه بر سر آب‌های مرزی در حال افزایش بوده و طیف وسیعی از موضوعات کمی و کیفی و فراتر از آن را شامل می‌شود (Salman, 2006: 158). نقشه ۱ موقعیت حوضه‌های آبریز مشترک را نشان می‌دهد.

مطالعات انجام شده توسط برنامه محیط زیست سازمان ملل نشان می‌دهد که تنش‌های آبی زیست‌محیطی و انسانی به خصوص در منطقه جنوب غرب آسیا تشدید خواهد شد. بر مبنای شاخص تنش آب محیط زیست، تعداد حوضه‌هایی که در طبقه میزان خطر بسیار زیاد قرار گرفته‌اند از عدد ۱۷ در وضعیت فعلی به اعداد ۵۶ و ۸۶ در چشم‌انداز ۲۰۳۰ و ۲۰۵۰ خواهد رسید. همچنین بر مبنای شاخص تنش آب انسانی، تعداد حوضه‌های در معرض خطر بسیار زیاد از ۲۸ عدد در وضعیت فعلی، به ۳۱ و ۴۸ عدد در چشم‌انداز ۲۰۳۰ و ۲۰۵۰ خواهد رسید.

نقشه ۱. موقعیت حوضه‌های آبریز مشترک در سطح جهان



Source: Water, 2016: 120.

در این پژوهش سعی شده تا با توجه به پیچیدگی‌های موضوع و اهمیت آن به ویژه در رودخانه‌های مرزی برای استفاده بهینه (و نه حداکثر) از آب، با توجه به قوانین حقوقی و حقوق بین‌الملل سازوکاری پیشنهاد شود تا ضمن استفاده بهینه، به هیچ‌یک از ذی‌نفعان تحمیلی وارد نشود. به عبارت دیگر حوضه مبدأ که می‌خواهد به حوضه مقصد آب بدهد، از تمام پتانسیل‌های آبی موجود خود به نحو بهینه بهره‌برداری کرده و مازاد آن را به حوضه مقصد که به آن نیاز دارد برساند و در نهایت صلح پایدار آبی در حوضه مورد نظر برقرار شود.

۱. صلح

در ادبیات قدیم پارسی صلح^۱ هم‌معنای لغت‌آشتی و متضاد حرب و جنگ آمده است.

1. Peace
2. War

در دوران معاصر مفهوم صلح گسترش یافته و با تفکرهای شرق آسیایی و بعدها تفکرات مسیحی که صلح درونی را معرفی کرده‌اند آمیخته شده است. در این مفهوم صلح شرایطی آرام، بی‌دغدغه، بدون تشویش، کشمکش و ستیز است. صلح یک آرمان جهانی تلقی می‌شود. صلح یک مفهوم مطلق نیست و می‌تواند بسته به دیدگاه دینی و فرهنگی تعریف متفاوتی داشته باشد بنابراین از جنبه‌های مختلفی می‌توان آن را مطالعه کرد.

به بیان باروخ اسپینوزا^۱ صلح به معنای نبود جنگ نیست، بلکه فضیلتی است که از نیروی جان مایه می‌گیرد و همان‌طور که آزادی به چم زندانی نبودن نیست؛ صلح هم به چم نبود جنگ نیست (فلسفی، ۱۳۹۴: ۲۱۵). مفهوم صلح را با آتش بس نباید اشتباه گرفت. آتش بس به وضعیتی اطلاق می‌شود که طرفین درگیر در یک مناقشه به صورت یک‌طرفه یا دوطرفه تحت شرایط خاصی از جنگیدن دست می‌کشند. صلح به معنای پایان دادن به مناقشه و قطع جنگ است. رسیدن به صلح در یک جنگ به‌طور کلی به دو روش میسر است. جنگیدن و وادار کردن طرف مغلوب به پذیرش صلح خود یکی از راه‌های رسیدن به صلح است که به صلح رومی^۲ معروف است. در این وضعیت طرف پیروز یا مجموعه‌ای از قدرت‌های بی‌طرف شرایطی را به‌عنوان شرایط صلح تنظیم می‌کنند که معمولاً به نفع سمت پیروز است. راه دیگر رسیدن به صلح با کمک مذاکرات سیاسی یا فعالان صلح است. آرمان جهانی صلح‌دوستان حفظ صلح در سطح جهان است ولی در واقعیت همیشه جنگ‌ها و مناقشات وجود داشته‌اند و به وجود می‌آیند و آنچه صلح‌دوستان دنیا به دنبالش هستند ترک مناقشات و برقراری صلح در این مناقشات است. ناتوانی انسان در برابر برقراری صلح در مناقشات، متفکرانی همچون کریشنا مورتی را به بیان مفاهیم بدیعی از صلح رهنمود کرده است. وی صلح را وضعیتی می‌داند که در آن تمام مناقشات و مسائل حل شده‌اند و هر نوع واکنش به جنگ را زمینه‌ای برای مناقشات بعدی می‌داند. در تفکر کریشنا مورتی ما بخشی از دنیا هستیم و برخورد با

1. Benedict de Spinoza

۲. پاکس رومانا یا صلح رومی، دوره‌ای طولانی بود که به‌طور نسبی با صلح و گسترش طلبی کمی از سوی قوای نظامی روم همراه بود که با پایان آخرین جنگ داخلی جمهوری آغاز شد.

مسئله به‌عنوان مشکلی در بیرون از وجود ما اشتباه است.^۱ صلح در اصطلاحات سیاسی نیز کاربرد دارد که در ادامه به برخی از آنان اشاره می‌شود:

- صلح‌گوشی: مجموعه‌ای از اقدامات دیپلماتیک هماهنگ و جدی در یک مورد خاص است که با هدف دستیابی به صلح انجام می‌شود.

- صلح‌آفرینی: اقدامی که برای ایجاد تفاهم و توافق میان طرف‌های درگیر به شیوه‌ای آشتی‌جویانه انجام شود.

- صلح‌پژوهی: شاخه‌ای از پژوهش‌های علوم انسانی که هدف آن شناخت و فراهم کردن زمینه‌های برقراری صلح است.

۱-۱. صلح پایدار

امانوئل کانت^۲ فیلسوف نامدار آلمانی در سال ۱۷۹۵ میلادی کتابی با عنوان صلح ماندگار نوشت که در آن مبانی رسیدن به یک صلح پایدار به صورت ۶ اصل مشخص شده است. وی در این کتاب برای اولین بار خواستار اتحاد جامعه بین‌المللی و تشکیل سازمانی برای برقراری صلح در جهان شده است (کانت، ۱۳۸۰: ۴۵).

صلح ماندگار یا صلح آرمانی بر پایه آرای کانت محصول وضعیتی است که دولت‌ها با پذیرش نظام مردم‌سالار به اتحاد آشتی‌جویانه و قوانین جهان‌گستر دست می‌یابند.

۱-۲. صلح پایدار از منظر کانت

رساله صلح پایدار کانت شامل دو بخش «مواد اولیه صلح پایدار» میان دولت‌ها و «مواد تعریفی صلح پایدار میان دولت‌ها» است که در ادامه به آن پرداخته شده است.

۱. دنیا تو هستی و دنیا از تو جدا نیست. دنیا با تمام مشکلاتش از پاسخ‌های تو شکل یافته است، بنابراین راه‌حل در ایجاد مشکلات تازه نیست.

الف) مواد اولیه صلح پایدار:

ماده اول: هیچ قرارداد صلحی نباید معتبر فرض شود، مادامی که حاوی موادی مخفی درباره استثنائاتی برای شروع جنگ‌های آینده باشد.

چنین وضعی صرفاً یک «ترک مخاصمه» و «به تعلیق درآوردن دشمنی‌ها» است نه صلح. صلح به معنای «اتمام همه دشمنی‌هاست و صفت «پایدار» برای آن فقط یک حشو زائد نیست. کانت می‌خواهد قرارداد صلح به‌گونه‌ای تنظیم شود که دیگر «ذهنیت‌های قدیمی برای ادامه دشمنی‌ها» به آن راه نیابند (معظمی، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

ماده دوم: هیچ دولتی نمی‌تواند دولت مستقل دیگری را چه کوچک باشد و چه بزرگ از طریق ارث، خرید و فروش مبادله یا هبه به دست آورد.

از نظر کانت دولت ملک کسی نیست، چنان‌که ممکن است زمینی که مردم بر آن زندگی می‌کنند ملک کسی باشد. دولت اجتماعی از انسان‌هاست و هیچ کس جز خود آنها حق حکم راندن یا تملک برایشان را ندارد.

ماده سوم: انحلال تدریجی کلیه ارتش‌ها و نیروهای نظامی آماده خدمت که اعضای آن نیروهای نظامی حرفه‌ای هستند.

به عقیده کانت وجود چنین نهادی در دولت‌ها به‌خودی‌خود موجب تهدید دولت‌های دیگر است. با وجود ارتش دولت‌ها مدام در مسابقه افزودن توان نظامی متقابل خواهند ماند و تهدید جنگ هم به این ترتیب همواره برجامی ماند. به اعتقاد کانت ارتشی از شهروندان داوطلب که به‌طور موسمی در خدمت نظامی درآیند و صرفاً برای امکان دفاع از خودشان و کشورشان تشکیل شوند وضع را به‌کلی تغییر خواهد داد. از نظر کانت وجود چنین ارتشی به منزله این است که حاکمی که اختیار ارتش را در دست دارد؛ «ابزاری انسانی برای اعمال خشونت» در دست دارد. این نظر کانت به خصوص در ساخت‌های سیاسی استبدادی که حاکم برای استفاده از نیروی نظامی پاسخگو نیست و نیروی نظامی هم مطیع امر حاکم هستند، قابل تأمل است (همان: ۱۶۱).

ماده چهارم: عدم تحمیل وام بر ملت‌ها در عوض ارتباطات خارجی با سایر کشورها. به نظر کانت چنین وام‌هایی به استیلای اقتصادی یک دولت بر دولت و ملت دیگر و به گسست تجارت میان ملت و وام‌دار می‌انجامند.

ماده پنجم: هیچ دولتی نباید به زور در قانون یا هیئت حاکمه دولت دیگری دخالت کند. البته کانت یک استثنای مهم را هم در نظر می‌گیرد و آن زمانی است که وضع آن کشور به‌گونه‌ای دچار هرج و مرج باشد که تشخیص یک حاکمیت واحد در آن ممکن نباشد. به نظر کانت تا پیش از اینکه چنین اتفاقی برای یک حاکمیت ملی رخ داده باشد دولت‌ها باید با حقوق برابر با هم رفتار کنند.

ماده ششم: هیچ دولتی نباید در اثنای جنگ به اعمالی دست زند که اگر هم روزی صلح برقرار شد ایجاد اعتماد متقابل ناممکن باشد؛ مثلاً دولت‌های در حال جنگ نباید آب‌ها را مسموم کنند، در کشتار متوحشانه رفتار کند و کانت تصریح می‌کند که کلاً با جنگ به قصد براندازی مخالف است.

از نظر کانت، جنگ تنها زمانی موجه است که از سرناچاری و برای بازیافتن حقوق مان به آن متوسل می‌شویم، اقدامی که فقط در وضعیتی می‌تواند رخ دهد که هیچ دادگاه عادلانه‌ای برای رسیدگی به دعوای ما نباشد (همان: ۱۷۲).

۲. آب‌های فرامرزی - مناقشه و صلح

مناقشات بر روی آب‌های مرزی بین‌المللی، امنیت و صلح بین‌المللی را تهدید می‌کند (Swain, 2013: 218). به دلیل افزایش جمعیت، صنعتی شدن جوامع و گسترش شهرنشینی؛ بسیاری از حوضه‌های بین‌المللی با افزایش تقاضا روبه‌رو هستند. با توجه به سوءمدیریت و تغییرات اقلیمی در بسیاری از موارد عرضه کاهش می‌یابد (Falkenmark and Jägerskog, 2010: 405).

در زمینه تعاملات آبی، سازمان‌هایی با همکاری نهادینه بسیار کم هستند. از مجموع ۲۷۶ حوضه مرزی، فقط ۱۱۶ حوضه دارای سازمان حوضه آبریز هستند (Islam and Madani, 2017: 518). به صرف وجود معاهدات و سازمان حوضه آبریزها، پیشگیری از تعارضات و مناقشات آب‌های مرزی انجام نمی‌شود چرا که اغلب آنها تاکنون سازوکار مدیریتی مهمی نداشته‌اند. تاکنون «جنگ آب» به‌طور واضح رؤیت نشده است (Wolf, Stahl and Macomber, 2003: 399).

باین حال ارتباطاتی قوی میان سوءمدیریت و خطرات بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی وجود دارد که ممکن است تأثیر تغییرات اقلیمی را نیز افزایش دهند. نمونه‌های برجسته برای چنین خطراتی مانند وقایع پیش از جنگ داخلی سوریه، عواقب سیل و خشکسالی در پاکستان و وضعیت بی‌ثبات در آسیای مرکزی است (Gleick, 2014: 180). چنین بی‌ثباتی‌های بالقوه به درگیری‌های بین‌ایالتی و همچنین درگیری‌های داخلی می‌انجامد که به نوبه خود ممکن است بین‌المللی شود. در مواردی که آب به شدت سیاسی است (هرچند به ندرت)، ممکن است مشارکت شخص ثالث ضروری باشد.

آب منبعی مؤثر است، همکاری در مدیریت آب می‌تواند به ایجاد فضای سیاسی لازم برای رسیدگی به سایر مسائل مربوط به مناقشات و مشاجره کمک کند. همچنین می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به پیشرفت‌های مثبت از نظر صلح و همکاری‌های منطقه‌ای باشد. این راه‌حل صلح‌آمیز می‌تواند بر پایه همکاری ناشی از آب مؤثر باشد. همکاری آب توانایی تبدیل شدن به یک مدل متقابل را دارد. همچنین می‌تواند راه را برای تعاملات بیشتر، وابستگی متقابل و ارتباطات اجتماعی هموار کند. انتشار به مناطق دیگر همکاری دوجانبه در زمینه منابع آب یک پدیده غیرمعمول نیست. باین حال همکاری آب به آسانی رخ نمی‌دهد؛ و به‌طور خودکار اثرات صلح افزایش نخواهد یافت (Conca and Dabelko, 2002: 413).

برای ایجاد صلح از منابع آبی دو راه وجود دارد: راه اول شامل تبدیل مشکلات فوری ناآرامی، عدم اطمینان، سوءظن، منافع متقابل و افق‌های کوتاه‌مدت است که معمولاً با شرایط ایجاد مناقشات همراه است. راه دوم با درک وسیع‌تر صلح به‌عنوان «درگیری‌های خشونت‌آمیز غیرقابل تصور» که بر پویایی روابط بین جوامع تمرکز می‌کند. به‌عنوان مثال از مزایای استفاده از آب آشامیدنی در بخش‌های مختلف جهان می‌توان به همکاری بین هند و بنگلادش اشاره کرد (Ibid.: 512).

تغییرات و نااطمینانی ایجاد شده در حوضه‌های آبریز ناشی از تغییر اقلیم؛ می‌تواند فرصت‌های جدیدی برای همکاری ایجاد کند (Rüttinger et al., 2015: 485). تأثیر تغییر اقلیم از طریق چرخه آب به وضوح احساس و باعث تقویت روند نگران‌کننده در مورد کمبود آب، شور شدن آب و خطر سیل یا خشکسالی می‌شود. باین حال تلاش‌های انطباق با تغییرات

اقلیمی نیز فرصت‌ها را نشان می‌دهد. ابزارهای مالی برای گفتگوهای سازگاری و انطباق که بر نیاز به رفع زودگذر شدن در عرضه و کیفیت آب‌های شیرین تأکید می‌کنند نیز ممکن است به حل سومدیریت موجود در منابع آب کمک کند (Taenzler, Carius and Maas, 2013: 213). فشارهای ناشی از انطباق تغییرات اقلیمی می‌تواند به رشد مثبت منجر شود و به‌عنوان نقطه ورود برای ایجاد اعتماد و مشارکت در مناطق سیاسی دشوار مؤثر باشد. به‌طور خلاصه آسیب‌پذیری به آب و تغییرات اقلیم ممکن است نه تنها تهدیدکننده، بلکه افزایش‌دهنده فرصت‌ها نیز باشد (Islam and Madani, 2017: 150).

۳. جنگ‌های آبی

سیستم‌های آبی شامل شبکه‌های به هم پیوسته‌ای هستند که در چندین حوزه (طبیعی، سیاسی و اجتماعی) در مقیاس‌های مختلف (مکانی، زمانی و نهادی) و در چند سطح (محلی، ملی و بین‌المللی) فعالیت می‌کنند (Islam and Susskind, 2012: 582). آب همچنین به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با انرژی، غذا و امنیت ملی در ارتباط است. این ویژگی‌ها سیستم‌های منابع آب را بسیار پیچیده می‌کند و از آنجاکه سیستم‌های انسانی و طبیعی هستند، فقط با روش‌های علمی یا رویکردهای مدل‌سازی و دخالت منطقی انسان می‌توان آنها را مدیریت کرد. اگر این پیچیدگی‌ها نادیده گرفته شود، برنامه‌ها و اقدامات ممکن است موجب ایجاد یا افزایش تنش و درگیری در حوضه آبی شود.

هنگامی که منابع آب در بین کشورهای مختلف یا کشورهای ساحلی مشترک است، این پیچیدگی را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد زیرا جنبه‌های امنیتی، سیاسی و ملی ممکن است درگیر باشند. بنابراین در مورد منابع آب مشترک، یک زیرسیستم دیگر، علاوه بر سیستم‌های فرعی طبیعی، اقتصادی - اجتماعی و زیربنایی درگیر است (Loucks et al., 2005: 538) که آن زیرسیستم ژئوپلیتیک است (Mianabadi, Mostert and Van de Giesen, 2015: 238).

ذی‌نفعان درگیر در مدیریت منابع آب می‌توانند گروهی از کشاورزان محلی در یک منطقه روستایی تا یک نهاد بین‌المللی مانند سازمان ملل، فائو و سازمان‌های بین‌المللی متغیر باشند. رقابت در بین این ذی‌نفعان می‌تواند اختلاف نظر را در مورد منابع آب مشترک

ایجاد یا افزایش دهد. از نظر عملی پتانسیل درگیری بین کاربران محلی به مراتب بیشتر از ذی نفعان ملی و بین‌المللی است. با این حال در طول دهه‌های اخیر بیشترین تأکید بر نحوه برطرف کردن و مدیریت منازعات آب در سطح بین‌المللی (برخلاف سطح زیر ملی) بوده است.

آب را می‌توان به نفت تشبیه کرد. هر دو از منابع طبیعی و کاملاً سیاسی هستند، اما تفاوت‌های مهمی نیز دارند. اولاً، آب یک ماده طبیعی زیست‌محیطی است در حالی که اهمیت نفت به‌عنوان موتور اصلی تولید و مصرف سرمایه‌داری نقش دارد. ثانیاً، برخلاف نفت و به‌رغم توزیع ناهمگون، هیچ بخشی از جهان وجود ندارد که اصلاً آب در آن نباشد. ثالثاً، از آنجاکه بیش از ۸۵ درصد از مصرف جهانی آب هنوز در بخش آبیاری (کشاورزی) مورد استفاده قرار می‌گیرد، ستون فقرات اقتصاد روستایی را تشکیل می‌دهد و برای تولید مواد غذایی ملی بسیار مهم است، اما بخش روستایی تنها سهم کمی در کل فعالیت‌های اقتصادی (حداقل در کشورهای سرمایه‌داری صنعتی) دارد و نکته آخر اینکه نفت توسط شرکت‌های چندملیتی در سطح بین‌المللی انحصار یافته است، در حالی که انحصار آب بسیار دشوار است. به‌عبارت‌دیگر نفت برخلاف آب کالایی برای عرضه در سطح بین‌المللی و نه تقاضای داخلی است (Selby, 2005: 466).

مکتب نئو-مالتوسیسم، استدلال می‌کند که رشد جمعیت باعث افزایش مصرف منابع می‌شود که خود باعث کاهش منابع می‌شود، کمبود منابع را تشدید می‌کند، رقابت در منابع را افزایش می‌دهد و در نهایت به درگیری مسلحانه منجر می‌شود (Gleditsch, 2003: 120). گفتمان جنگ‌های آب بر فرضیه‌های مالتوسی در مورد کمبود آب و ایده‌های ساده و دولت‌محور درباره دلایل درگیری بین‌المللی پیش‌بینی می‌شود (Selby, 2005: 472).

۱. نئومالتوسیسم، مبتنی بر مالتوسیسم است که یک مکتب فکری مبتنی بر اثر توماس رابرت مالتوس، روحانی و محقق انگلیسی قرن هجدهم است. طبق گفته مالتوس، رشد جمعیت از نظر هندسی (۱، ۲، ۴، ۸، ۱۶...) افزایش می‌یابد، در حالی که عرضه و تولید مواد غذایی فقط به صورت حسابی افزایش می‌یابد (۱، ۲، ۳، ۴، ۵...). وی استدلال کرد که جمعیت جهان بر تولید غذا پیشی خواهد گرفت و در آینده باعث بدبختی در بشریت خواهد شد. وی برای مقابله با این مسئله از کنترل جمعیت به ویژه از طریق پیشگیری از بارداری حمایت کرد.

برخلاف نئو-مالتوسیسم‌ها، کونوکوپیان‌ها 'خوش بین هستند. آنها معتقدند که انرژی و مواد غذایی کافی برای تأمین روبه‌رشد جمعیت جهان وجود دارد. با توجه به دیدگاه آنها، نئومالتوسیسم‌ها پیشرفت‌های فناوری را برای برآورده کردن نیازهای انرژی و غذایی یک جمعیت روبه‌افزایش نمی‌دانند. آنها خاطر نشان می‌کنند که نوآوری و فناوری می‌تواند بر کمبود منابع غلبه کند. از نظر جهانی آنها اظهار می‌کنند که کمبود منابع نوآوری را تحریک می‌کند و توسعه فناوری و رقابت منابع باعث ایجاد مشکلات بین کشورها می‌شود و نه درگیری (Gleditsch, 2003: 133). به عنوان مثال اصلی‌ترین مسیر حرکت به سمت همکاری‌های آب‌های مرزی در اتحادیه اروپا ناشی از بحران‌های آب بوده است (Van der Zaag and Savenije, 2000: 129). علاوه بر این محرک نیاز به همکاری در زمینه حفاظت از سیلاب در رودخانه‌های راین و میوز، دو سیل در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵ بوده است (Huisman, de Jong and Wieriks, 2000: 165). حادثه ساندوز^۲ در سال ۱۹۸۶، که به موجب آن مقدار زیادی از مواد شیمیایی آلی که به رود راین در سوئیس سرازیر شده بود، پایه و اساس برنامه اقدام راین در سال ۱۹۸۷ را تشکیل داد و در سرعت بخشیدن به همکاری‌ها برای تمیز کردن راین تأثیرگذار بوده است (Pohl et al., 2014). همچنین شواهد نشان می‌دهد کمبود آب می‌تواند علت یا نتیجه درگیری باشد. گفتنی است که درگیری همیشه نامطلوب و مضر نیست و می‌تواند عامل تغییر باشد. تعامل آب‌های فرامرزی در فرایند سیاسی به سه دسته تقسیم می‌شود (Zeitoun and Mirumachi, 2008: 223).

- تعامل مثبت (همکاری زیاد / درگیری کم)،
 - تعامل خنثی (همکاری کم / درگیری کم)،
 - تعامل منفی (همکاری کم / تعارض زیاد).
 همچنین ارتباط میان کمبود منابع و مناقشات در مکتب‌های اصلی تفکر از جمله سوسیالیسم، لیبرالیسم، مارکسیسم، سرمایه‌داری و رئالیسم متفاوت است. به عنوان مثال مارکسیست‌ها بر نقش مؤثر نابرابری‌ها در سیستم اقتصادی تأکید دارند و استدلال می‌کنند که کمبود منابع می‌تواند به نابرابری‌های جهانی و داخلی منجر شود

۱. کورنوکوپیا یا شاخ فراوان، نمادی از فراوانی است که مربوط به یونان باستان است.

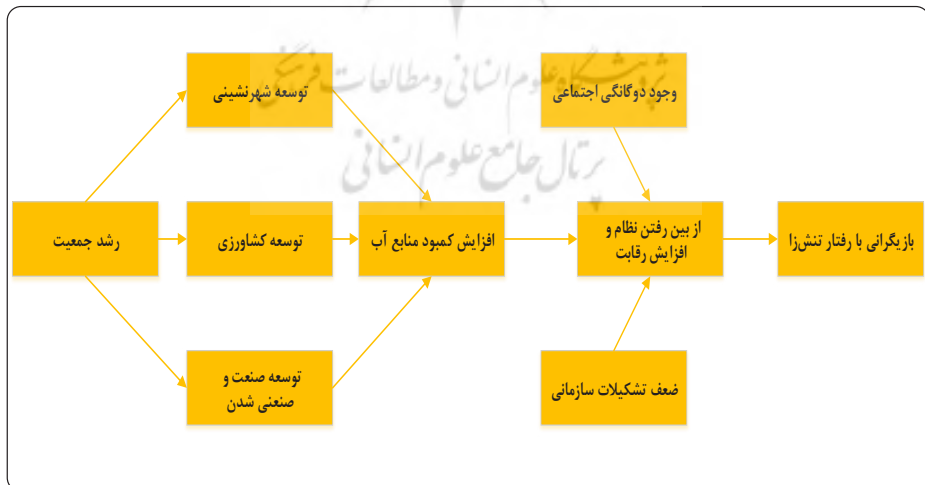
و چشم‌اندازهای درگیری‌های داخلی و خارجی را افزایش دهد. از طرف دیگر لیبرال‌ها دیدگاه خوش‌بینانه‌تری دارند و بر اهمیت بازاریابی و تجارت کارآمد تأکید دارند. آنها ادعا می‌کنند کشورهایی که از کمبود رنج می‌برند به سادگی می‌توانند در بازار بین‌المللی تجارت کنند (Hense, McLaughlin Mitchell and Sowers, 2006: 308).

بنابراین نگرش‌های مختلف نسبت به منابع و کمبود آن و همچنین اتخاذ سیاست‌های لازم به ویژه در شرایط بحرانی، ارتباط مستقیم با نحوه تفکر و حتی اعتقادات دینی و باورهای مذهبی دارد. این امر به ایجاد تعاملات و یا مناقشات در سطوح مختلف، به ویژه در تخصیص و نحوه استفاده از منابع مشترک منجر خواهد شد. برخی از پژوهش‌ها نشان دهنده آن است که از سال ۲۰۲۲ به بعد از منابع آبی حوضه‌های آبریز مشترک به طور فزاینده به عنوان اهرم سیاسی استفاده خواهد شد (کاوایانی راد، ۱۳۹۸).

۳-۱. مبانی و اشکال آب در مناقشات

به صورت کلی مدل کمبود منابع آب و رفتار تنش‌زای ذی‌مدخلان در شکل ذیل آورده شده است.

شکل ۱. مدل کمبود منابع آب و رفتار تنش‌زای ذی‌مدخلان



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در مدل ارائه شده توسط پیترهاگت جغرافیدان انگلیسی، عوامل جغرافیایی مرتبط با آب که به تنش و مشاجره بین کشورهای همسایه منجر می‌شود به این شرح است (Hagget, 2000: 276):
الف) تمایل عبور کشور همسایه محصور در خشکی برای دسترسی به آب‌های آزاد از کشور همسایه،

ب) اختلاف بر سر تفسیر خط تقسیم آب،

ج) تغییر مسیر رودخانه مرزی،

د) اختلاف بر سر بهره‌برداری از منابع دریاچه مشترک،

ه) ربودن آب در قسمت بالادست رودخانه،

و) باروری مصنوعی ابرها.

از آنجاکه در پژوهش حاضر مناقشات و جنگ‌های آبی در استفاده‌های شرب، کشاورزی و صنعت (غیر کشتیرانی و تقسیمات سرزمینی) است، برای بررسی این درگیری‌ها دسته‌بندی‌های مختلفی انجام شده که به آن اشاره می‌شود.

۱-۳. دسته‌بندی قدیمی

- کنترل منابع آب (بازیگران دولتی و یا غیردولتی): منابع آب یا دسترسی به آن ریشه اصلی تنش است.

- ابزار نظامی (بازیگران دولتی): آب و منابع آن به‌عنوان یک سلاح، توسط دولت یا ملت در طول عملیات نظامی استفاده می‌شود.

- ابزار سیاسی (بازیگران دولتی و غیردولتی): از آب و منابع آن برای اهداف سیاسی توسط دولت، ملت یا افراد غیردولتی استفاده می‌شود.

- تروریست (بازیگران غیردولتی): از منابع آب و سیستم‌های آبی به‌عنوان اهداف و یا ابزاری برای سلطه و یا خشونت توسط افراد غیردولتی استفاده می‌شود.

- اهداف نظامی (بازیگران دولتی): منابع آب و سیستم‌های آبی اهداف عملیات نظامی توسط دولت هستند.

- اختلاف توسعه (بازیگران دولتی و غیردولتی): منابع آب یا سیستم‌های آبی عامل و علت اصلی اختلافات در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی هستند.

۲-۱-۳. دسته‌بندی جدید

- محرک / عامل: هنگامی که دسترسی به منابع اقتصادی، فیزیکی آب و یا کمبود آب موجب درگیری شود.
 - سلاح: هنگامی که از آب یا سیستم‌های آبی به عنوان ابزار یا سلاح در درگیری‌های خشونت‌آمیز استفاده می‌شود.

- تلفات / خسارات: هنگامی که منابع یا سیستم‌های آبی به صورت عمدی یا غیرعمدی در درگیری‌ها دچار خسارت می‌شوند.

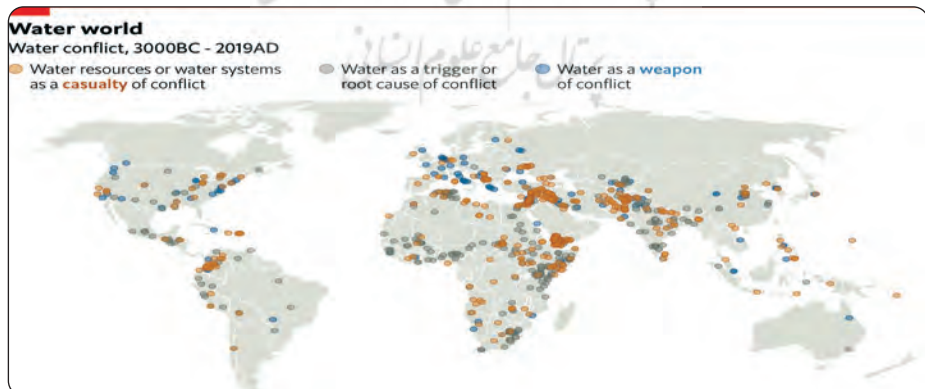
در جدول ذیل درگیری‌های ثبت شده در طول تاریخ به تفکیک نقش آب آورده شده است.

جدول ۱. درگیری‌های ثبت شده در طول تاریخ به تفکیک نقش آب

ردیف	شرح	تعداد
۱	تعداد کل درگیری‌های ثبت شده در دنیا در طول تاریخ	۹۲۶
۲	تعداد درگیری‌ها که در آن آب تلفات بوده است	۵۰۵
۳	تعداد درگیری‌ها که در آن آب سلاح بوده است	۱۷۳
۴	تعداد درگیری‌ها که در آن آب عامل درگیری بوده است	۳۱۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

نقشه ۲. پراکندگی جنگ‌های آبی در دنیا در طول تاریخ



Source: Pacific Institute, Water Conflict Chronology

در جدول ذیل درگیری‌های ثبت شده با محوریت آب در مناطق مختلف دنیا آورده شده است.

جدول ۲. درگیری‌های ثبت شده با محوریت آب در طول تاریخ، به تفکیک مناطق مختلف دنیا

ردیف	شرح	تعداد
۱	تعداد کل درگیری‌های ثبت شده در دنیا	۹۲۶
۲	تعداد کل درگیری‌های ثبت شده در استرالیا و نیوزلند	۲
۳	تعداد کل درگیری‌های ثبت شده در آسیای مرکزی	۱۵
۴	تعداد کل درگیری‌های ثبت شده در آسیای شرقی	۳۲
۵	تعداد کل درگیری‌های ثبت شده در آسیای جنوبی	۱۲۴
۶	تعداد کل درگیری‌های ثبت شده در آسیای شمالی	۱۵
۷	تعداد کل درگیری‌های ثبت شده در آسیای غربی	۳۰۶
۸	تعداد کل درگیری‌های ثبت شده در اروپای شرقی	۲۷
۹	تعداد کل درگیری‌های ثبت شده در اروپای جنوبی	۲۷
۱۰	تعداد کل درگیری‌های ثبت شده در اروپای غربی	۱۹
۱۱	تعداد کل درگیری‌های ثبت شده در آمریکای لاتین و کارائیب	۶۳
۱۲	تعداد کل درگیری‌های ثبت شده در آمریکای شمالی	۵۳
۱۳	تعداد کل درگیری‌های ثبت شده در ملانزی	۱
۱۴	تعداد کل درگیری‌های ثبت شده در آفریقای شمالی	۶۰
۱۵	تعداد کل درگیری‌های ثبت شده در آفریقای سیاه	۱۷۵

مأخذ: همان.

۴. رویکردهای مختلف در خصوص حل منازعات آب

کشورها در برخورد با مسئله آب رویکردهای مختلفی مانند امنیتی، اقتصادی، حقوقی، تکنولوژیکی و زیست محیطی را دنبال می‌کنند. انتخاب نوع رویکرد می‌تواند راهبرد برخورد دولت‌ها با منازعات آبی را نیز تعیین کند. راهبردهای حل منازعات در نهایت به پذیرش یا

عدم پذیرش مذاکره منتج می‌شود که مسائل آبی نیز از آن مستثنا نیست. گاهی طرفین، منازعه را به‌عنوان یک مشکل به رسمیت شناخته و خواهان حل آن از طریق مذاکره می‌شوند و گاهی یک طرف یا طرفین منازعه به‌جای مذاکره در مقابل آن سکوت می‌کنند. این نوع برخوردها را می‌توان در مسائل آبی نیز از سوی کشورهای مختلف مشاهده کرد. علاوه بر این بعضی از محققان آب معتقدند که آب یک منبع قدرت است و کمبود آن یک معضل راهبردی که می‌تواند قدرت سیاسی را تهدید کند. این افراد معتقد به نگاه امنیتی همراه با برخوردهای فیزیکی به مسئله آب هستند.

بنابراین در برخورد با منازعات آبی کشورها سه راه سکوت، مذاکره و یا امنیتی (استفاده از قدرت) را می‌توانند در پیش گیرند. بدون تردید انتخاب هر یک از این روش‌ها می‌تواند اثرات مختلفی بر آینده حوضه آبی نیز داشته باشد. همه حکومت‌ها مسائل آبی را جزء مسائل ملی خود می‌دانند، بنابراین این نوع تصمیم‌گیری‌ها معمولاً در سطح بسیار بالایی دیپلماسی و توسط تصمیم‌گیرندگان ارشد هر کشور انجام می‌شود.

۴-۱. سکوت

برخی از کشورها این روش برخورد را در سیاست خارجی خود انتخاب می‌کنند و سیاستمداران پاسخ‌های بسیار کلی و مبهمی را در مقابل سؤال‌هایی که از آنها در خصوص مسائل آبی می‌شود، ارائه می‌دهند. سکوت به معنای انتخاب روش رد مذاکره است. از دلایل انتخاب این نوع سیاست می‌توان به احساس ضعف نسبت به طرف مقابل و نرسیدن زمان مناسب اشاره کرد. در مسائل آبی، نداشتن متخصصان برای انجام مذاکرات یا عدم تسلط کافی بر منابع آبی را می‌توان به‌عنوان ضعف تعبیر کرد. بنابراین هدف از اتخاذ این سیاست، خرید زمان برای پرورش نیروهای متخصص و تسلط بر منابع آبی با اجرای پروژه‌های زیربنایی به‌عنوان اهرم‌های مهم مذاکره است. یکی از ابزارهای مهم در مذاکره بر سر مسائل آبی با کشورهای دیگر، داشتن نیروی متخصص و متعهد است. بنابراین اگر کشوری برنامه‌ای جدی برای پرورش نیروهای انسانی در حوضه دیپلماسی و مذاکره با تخصص آب داشته باشد، انتخاب سیاست سکوت می‌تواند به آن کمک کند.

همچنان اگر در این فاصله برنامه‌هایی برای استفاده بهتر و مؤثرتر از منابع آب در سطح حوضه نیز پیاده شود؛ در آینده مذاکرات تأثیرگذار خواهد بود. البته باید گفت که در صورت انتخاب این سیاست، کشورهای دیگر هم فرصتی برای توسعه بیشتر نیروی انسانی، توان اقتصادی و تکنیکی خود خواهند یافت.

۴-۲. مذاکره

مذاکره جهت حل و فصل منازعات یک امر شناخته شده و معمول در سطح جهان است. از آنجاکه طرف‌ها براساس انتخاب خود (نه اجبار) وارد مذاکره می‌شوند، به نتیجه رساندن آن (یا افزایش تمایل به نتیجه رساندن آن) یکی از اهداف طرف‌های مذاکره‌کننده است؛ زیرا شکست مذاکرات برای تمام طرف‌ها بازخورد خوبی در سطح جامعه آنها نخواهد داشت. به عبارت دیگر مذاکره یکی از بهترین روش‌های حل منازعات است و بیشتر طرف‌های منازعه تمایل به آن دارند. برگزاری مذاکرات راهبردی بین دو یا چند کشور نشان‌دهنده نزدیکی، دوستی، و عمق روابط و به هم پیوستگی منافع آنهاست.

انجام هر مذاکره نیازمند پیش‌نیازهایی است که قبلاً باید فراهم شوند و یکی از آنها همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، ترکیب تیم مذاکره‌کننده است.

افراد تیم مذاکره‌کننده، بسته به نوع مذاکرات، باید از تخصص و تعهد لازم برخوردار باشند. در مسائل آبی اعضای تیم مذاکره‌کننده نه تنها باید به اصول و مفاهیم تسلط داشته باشند، بلکه باید اطلاعات پایه در مورد منابع آب و سیاست را هم داشته باشند؛ چرا که بحث منابع آب بر سر منافع جغرافیایی و ملی است و آثار آن به طور مستقیم بر زندگی میلیون‌ها نفر از ساکنان حوضه نمایان می‌شود.

پیش‌نیاز دیگر مذاکره، گردآوری اطلاعات لازم در خصوص موضوع مورد بحث است. به عبارت دیگر اگر مذاکره در موضوع آب انجام می‌شود، باید اطلاعات کامل و روشنی از وضعیت آب‌های حوضه در اختیار تیم مذاکره‌کننده باشد. نکته مهم اینکه تیم مذاکره‌کننده هر کشور باید اطلاعات دقیقی از وضعیت حوضه مشترک در کشورهای دیگر نیز داشته باشد. کنوانسیون‌ها و قواعد بین‌المللی آبی هم به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که کشورها را

ترغیب به مذاکره می‌کنند. از این روتبادل اطلاعات آبی و همچنین مدیریت جمعی و جامع حوضه‌های آبریز مشترک در آنها مورد تأیید قرار گرفته است.

مذاکره سازوکاری ضروری برای حل انواع منازعات و حفظ ثبات روابط بین‌المللی است، بنابراین عدم پذیرش آن از سوی کشورها بازخورد خوبی در سطح بین‌المللی نخواهد داشت. هر کشوری در پای میز مذاکره می‌تواند ضمن شنیدن صحبت‌های طرف مقابل، نظرات خود را بیان کند تا در نهایت راه‌حل معقولی برای حل منازعه مشخص شود. البته کشورها باید تلاش کنند تا مسائل خارج از موضوع بر مذاکره سایه نیفکند و موضوع اصلی را تحت شعاع قرار ندهد. به‌عنوان مثال اگر موضوع مذاکرات در مورد مسائل آبی یک حوضه آبریز مشترک است؛ نباید موضوعات دیگری مانند موضوعات اقتصادی، سیاسی و نظامی مطرح و از آنها به‌عنوان اهرم فشار استفاده شود (در عمل این‌گونه نیست). از آنجاکه هر یک از طرفین مذاکره برای خود خط قرمزهایی (حداقل خواسته‌های خود) دارند، در صورت بروز چنین اتفاقی هیچ‌یک از طرف‌های درگیر زیر بار توافق اجباری نخواهند رفت و نتیجه مذاکرات جز شکست چیزی نخواهد بود. امروزه مذاکره‌کنندگان حرفه‌ای همواره به نتیجه برد-برد فکر می‌کنند. در این نوع نتیجه طرفین مذاکره احساس رضایت می‌کنند و هر یک دستاوردی برای خود دارند. در چنین فضایی همکاری جهت توسعه اقتصادی نیز می‌تواند در حوضه مشترک رخ دهد و هر کشوری با توجه به پتانسیل خود از مزیت‌های اقتصادی منابع آب حوضه استفاده کند.

با توجه به بحث‌های فوق به نظر می‌رسد که در پیش گرفتن راه مذاکره برای حل منازعات آبی حوضه‌های مشترک بهترین روش است. چرا که با استفاده از فرصت مذاکره می‌توان رو در رو با طرف‌های دیگر خواسته‌های خود را به گوش آنها رساند و حرف‌ها و خواسته‌های آنها را نیز شنید و به نتیجه رضایت‌بخشی رسید. مذاکرات آبی یکی از پیچیده‌ترین نوع مذاکرات بوده و نیاز به وقت و زمان زیادی دارد.

با توجه به مطالب گفته شده، خلاصه رویکردهای مختلف در زمینه مذاکرات در جدول ذیل آورده شده است.

جدول ۳. خلاصه رویکردهای مختلف در مذاکره

محدودیت‌ها	فرضیات	ویژگی‌های اساسی	رویکرد
تأکید بیش از حد بر قدرت (احتمال تبدیل موقعیت به فرصت از دست رفته برای توافق)	برد - باخت	تمرکز بر موقعیت‌ها، قدرت و وسایل	ساختاری
حذف استفاده از قدرت	برد - باخت، وجود راه‌حل‌های بهینه و عقلانیت بازیکنان	تمرکز بر اهداف، عقلانیت و مواضع	راهبردی (مثلاً نظریه بازی‌ها)
تأکید بر مواضع	برد - باخت، نقش ادراکات و انتظارات	تمرکز بر ویژگی‌های شخصیتی	رفتاری
تأکید بر مواضع عدم پیش‌بینی	برد - باخت به عنوان واکنش‌های آموخته شده عمل می‌کند	تمرکز بر روی رفتار ایجاد امتیاز و موقعیت	تبادل امتیاز
زمان بر (شناسایی طرفین با تفکرات و عملکرد انتزاعی و غیریکپارچه)	پتانسیل برد - برد	تمرکز بر حل مشکل، ایجاد ارزش، برقراری ارتباط و راه‌حل برد - برد	یکپارچه

مأخذ: همان.

در عمل مذاکره‌کنندگان غالباً براساس درک آگاهانه یا ناخودآگاه خود از روند مذاکره، راهبردهایی را فراخوانی می‌کنند. با این حال نظریه‌های مذاکره کمک می‌کند تا تحلیلی در مورد فرایندهای مذاکره داشته باشیم و بینشی ارائه می‌دهد تا روش مذاکره را شکل و به‌عنوان یک نتیجه در تأثیرگذاری بر نتایج حاصل از دستیابی کمک‌کننده باشد.

۳-۴. استفاده از قدرت

به‌رغم دگرگونی‌های بی‌سابقه در صحنه سیاست جهانی در بیشتر نقاط جهان، آب همواره به‌عنوان یک عنصر کلیدی در سیاست خارجی کشورها بوده است. متأسفانه برخلاف سخنان پرطمطراق جوامع بین‌المللی، به نظر می‌رسد در سطح جهانی اراده سیاسی برای حل مشکل کم‌آبی وجود ندارد؛ از این رو بسیاری اذعان می‌کنند که جنگ‌های آینده

می‌تواند بر سر منابع آب انجام شود. بنابراین منابع آب می‌توانند به‌عنوان یک منبع افزایش‌دهنده قدرت کشورها، به ابزار و وسیله ژئوپلیتیک تبدیل شوند. بر این اساس کشورها تلاش دارند تا با مهار آب‌ها در داخل مرزهای خود کنترل آن‌ها را در دست گیرند تا بتوانند از آن به‌عنوان یک ابزار قدرت استفاده کنند؛ چرا که عموماً دولت‌ها در موضوع شراکت در آب‌های فرامرزی «شرکای ناخشنود» هستند و این موضوع احتمال بروز بحران بین دولت‌ها در مورد دسترسی به منابع آب را افزایش می‌دهد. چنین دیدگاهی راجع به آب‌های فرامرزی نشانه تأیید اصل حاکمیت سرزمینی مطلق است.

در این سیاست از عدم توازن قدرت بین کشورها استفاده شده که از راه‌های مختلفی از جمله اعمال فشار و تهدید استفاده می‌شود، که در حقیقت استفاده از هیدروهمژمون است. نمونه‌هایی از اعمال چنین سیاستی را می‌توان در رودخانه‌های نیل، اردن، دجله و فرات مشاهده کرد. در این سیاست روابط قدرت بین کشورهای حوضه تعیین‌کننده اصلی میزان کنترل بر منابع آب است. گفتنی است در بحث استفاده از قدرت، موقعیت کشورها و پتانسیل آنها در استفاده از آب‌ها (توسط سازه‌های آبی) تا زمانی که به منابع قدرت وابسته نباشد نقش تعیین‌کننده‌ای نخواهند داشت. به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت طرفداران این سیاست سعی می‌کنند با فشارهای همه‌جانبه سیاسی و نظامی، کنترل بیشتری بر منابع آب داشته باشند. رقابت سرکنترل بیشتر بر منابع آب در حوضه‌هایی که با کمبود فیزیکی آب مواجه هستند، بیشتر است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود در این نوع سیاست عموماً موضوعات دیگری که هیچ‌گونه ارتباطی با مسائل آبی ندارند به آب ربط داده می‌شوند. این مسائل عموماً شامل نقاط ضعفی است که کشور یا کشورهای ضعیف‌تر نزد کشور یا کشورهای قوی‌تر دارند. کشورهای قوی‌تر سعی می‌کنند با اتکا به این نقاط ضعف کشورهای ضعیف‌تر تحت فشار قرار دهند تا به اهداف خود برسند. این نوع سیاست یکی از بدترین نوع سیاست‌های آبی است چرا که نتیجه آن به توسعه پایدار منطقه منجر نمی‌شود و همیشه یک طرف خود را بازنده و طرف دیگر برنده احساس می‌کند. امروزه سیاست‌هایی با نتیجه برد - باخت در سطح جهانی طرفدار زیادی ندارد، زیرا نتایج آن پایدار نخواهد بود. بهترین نتیجه همیشه

از سیاست برد - برد (مجموع غیر صفر) به دست می‌آید و نتایج این‌گونه سیاست‌ها هم به توسعه پایدار منطقه منجر می‌شود.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت آب‌های مرزی و رقابت طرفین به استفاده حداکثری از آن، ذی‌نفعان حوضه‌های آبریز مشترک تمایل زیادی به استفاده از جنبه‌های مختلف قدرت نشان می‌دهند که همین امر به معنای ایجاد تنش و عدم رعایت اصول در تقسیم‌بندی منصفانه و عادلانه آب است. آب به‌عنوان «تلفات»، «سلاح» و «عامل» در جنگ‌هایی موسوم به آب نقش داشته است؛ اما آنچه با عنوان «جنگ آبی» در این مقاله شناخته می‌شود، جنگ‌هایی است که آب (استفاده یا تقسیم آب) به‌عنوان عامل جنگ بوده است. ۹۲۶ جنگ مرتبط با آب در طول تاریخ ثبت شده که ۳۱۶ عدد (بیش از ۳۰ درصد) مختص به جنگ‌های آبی است. اما نکته حائز اهمیت آن است که آب پارامتر کلیدی در این جنگ‌ها بوده که نشان‌دهنده اهمیت این عنصر راهبردی به‌ویژه در مناقشات است.

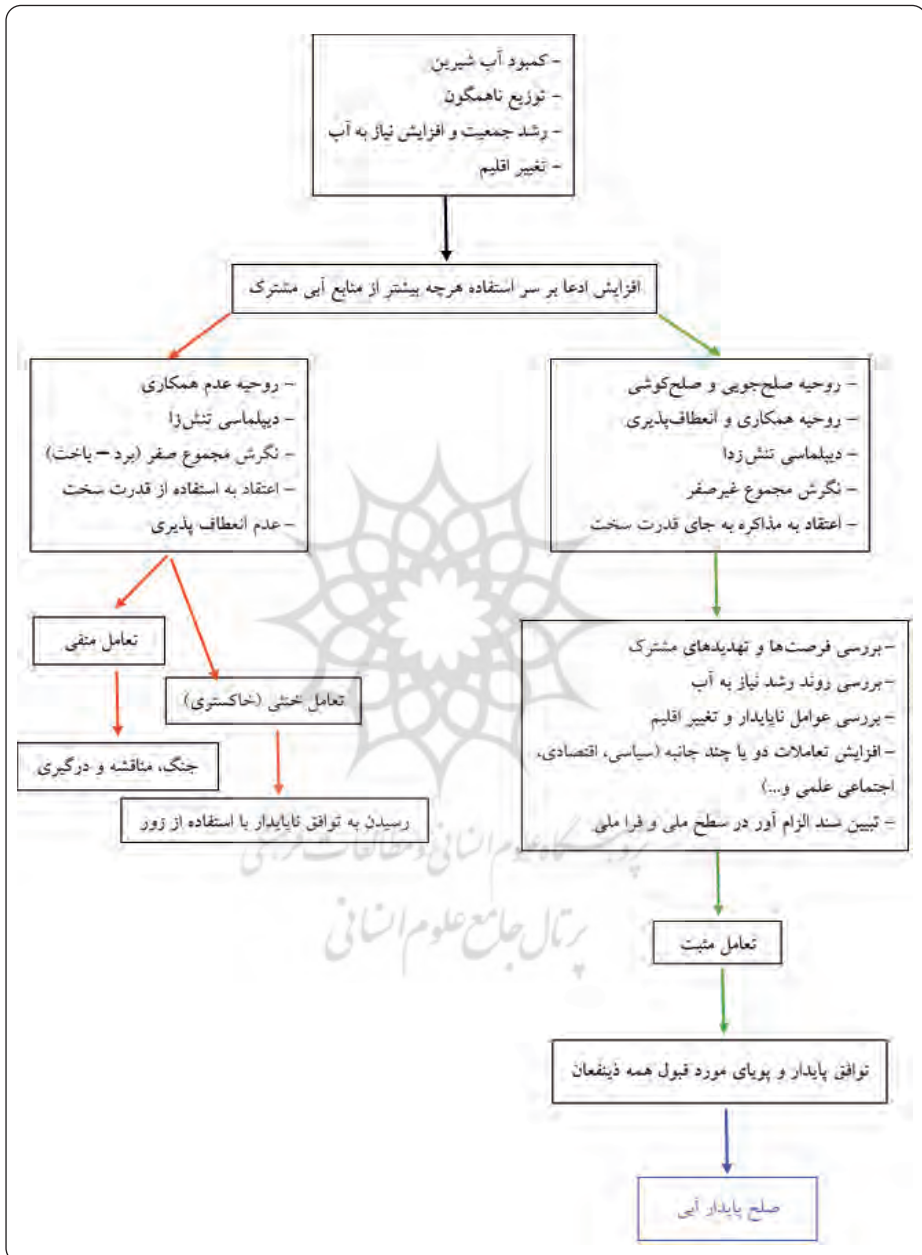
مسئله دیگری که در روند مذاکرات آبی باید از آن یاد شود مشورت با ساکنان حوضه آبریز به‌عنوان استفاده‌کنندگان مستقیم منابع آبی حوضه است؛ چرا که تصمیم‌هایی که برای حوضه آبی گرفته می‌شود می‌تواند مستقیماً زندگی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین بهتر است کارشناسان و تصمیم‌گیران، پس از مشورت با ساکنان حوضه تصمیم خود را نهایی کنند. مشخص است در صورت توافق (توافق نامطلوب) علاوه بر معضلات احتمالی نارضایتی ساکنین می‌تواند ایجاد مشکلاتی همچون افزایش مهاجرت، خالی شدن مرزها از سکنه، کاهش امنیت مرز، افزایش آمار بیکاری، جرم، احتمال وقوع اغتشاشات در پی نارضایتی مردم از وضع موجود و موارد دیگر را اشاره کرد.

تعامل به سه سطح مثبت، خنثی و منفی تقسیم‌بندی می‌شود. در این پژوهش مفهوم جدیدی از صلح تحت عنوان «صلح پایدار آبی» ارائه شده است که تعاملات آبی طرفین از نوع تعاملات مثبت، بدون در نظر گرفتن روابط و مناسبت‌های سیاسی داخلی

و فرامرزی است. صلح پایدار آبی فارغ از زمان و شرایط اقلیمی است و به این معناست که با گذشت زمان چه از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و چه از نظر تغییرات اقلیمی و شرایط آب و هوایی؛ صلح آبی به صورت پویا^۱ و متغیر همچنان باقی خواهد ماند تا تمامی ذی نفعان از مایه حیات به طور منصفانه و عادلانه بهره مند شوند. روند صلح پایدار آبی با تغییر دولت‌های داخلی تغییر نکرده و از سیاست‌های کلان خارجی نیز تنها در راستای عملکرد بهتر تأثیر می‌پذیرد. صلح پایدار آبی در واقع یک سند الزام‌آور برای تمام دولت‌های متعهد و مرتبط است. عامل شکل‌گیری صلح پایدار آبی، توافق و همکاری طرفین بدون استفاده از نیروهای نظامی و یا اعمال نفوذ با استفاده از قوای نظامی، فشار یا قدرت سخت است. برای نیل به چنین هدف والایی باید نگرش صفر و یک به مسائل نداشت و با نگاه مجموع غیر صفر یا برد - برد به مذاکره پرداخت. در این نگرش سود طرفین همان قدر برای یکدیگر مهم خواهد بود که عدم ضرر برای هر یک مهم است. صلح پایدار آبی در نهایت به یکپارچگی و همکاری گسترده طرفین در تمام زمینه‌ها منجر خواهد شد.

از آنجاکه جنگ و درگیری در هر سطح ملی و فراملی بسیار پرهزینه و آکنده از پیامدهای منفی است، بنابراین دستیابی به صلح پایدار آبی نیازمند تصحیح نگرش ذی نفعان است. تقبل و احترام به حقوق سایر ذی نفعان و پذیرش حضور منعطف در مذاکره، نبود نگرش برد - باخت به موضوع مذاکره، شناخت دقیق تهدیدها و فرصت‌های مشترک از مهمترین راهکارها و به عبارتی ملزومات رسیدن به صلح پایدار آبی است. اعتقاد و التزام طرفین مذاکره به صلح‌آفرینی و صلح‌کوشی امری غیرقابل چشم‌پوشی در راستای رسیدن به صلح پایدار آبی است. در ذیل مسیر راه صلح پایدار آبی آورده شده است.

شکل ۲. مسیر راه نیل به صلح پایدار آبی



مأخذ: همان.

منابع و مآخذ

۱. فلسفی، هدایت‌اله (۱۳۹۴). *صلح جاویدان و حکومت قانون*، تهران، نشر نو.
۲. قریشی، سیده‌زهرا، حجت میان‌آبادی و سیدمسعود موسوی شفائی (۱۳۹۸). «نقش قدرت در دیپلماسی آب»، فصلنامه تحقیقات منابع آب ایران، (۲)، ۱۵.
۳. کانت، امانوئل (۱۳۸۰). *صلح پایدار*، تهران، به‌باوران.
۴. کاویانی راد، مراد (۱۳۹۸). *هیدروپلیتیک؛ سویه‌ها و رویکردها*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. معظمی، علی (۱۳۸۸). «صلح پایدار و عاملیت سیاسی نزد کانت»، فصلنامه تأملات فلسفی، (۱)، ۳.
6. Conca, K. and G. D. Dabelko (2002). *Environmental Peacemaking*, Johns Hopkins University Press.
7. Falkenmark, M. and A. Jägerskog (2010). "Sustainability of Transnational Water Agreements in the Face of Socio-economic and Environmental Change", In *Transboundary Water Management: Principles and Practice*, London, Earthscan.
8. Gleditsch, N. (2003). "Environmental Conflict: Neomalthusians vs. Cornucopians", In N. P. Gleditsch, *Hexagon Series on Human and Environmental Security and Peace*, Berlin Heidelberg, Springer Berlin Heidelberg.
9. Gleick, P. (2014). "Water, Drought, Climate Change and Conflict in Syria, Weather", *Climate and Society*, 6(3).
10. Hagget, P. (2000). *Geography: A Modern Synthesis*, London, Harper and Row.
11. Hense, P., S. McLaughlin Mitchell and T. Sowers (2006). "Conflict Management of Riparian Disputes", *Political Geography*, 25(4).
12. Huisman, P., J. de Jong and K. Wieriks (2000). "Transboundary Cooperation in Shared River Basins: Experiences From the Rhine, Meuse and North Sea", *Water Policy*, 2(1).
13. Islam, S. and K. Madani (2017). *Water Diplomacy in Action*, London and New York, Anthem Press.
14. Islam, S. and L. Susskind (2012). *Water Diplomacy a Negotiated Approach to*

- Managing Complex Water Networks*, The Rff Press Water Policy Series.
15. Loucks, D., E. Van Beek, J. Stedinger, J. Dijkman and M. Villars (2005). *Water Resources Systems Planning and Management: An Introduction to Methods, Models and Applications*, Paris, France: UNESCO.
 16. Mianabadi, H., E. Mostert and N. Van de Giesen (2015). *Trans-boundary River Basin Management: Factors Influencing the Success or Failure of International Agreements*, In S. o. E. Farmers and A. C. Iran, *Trans-boundary River Basin Management: Factors Influencing the Success or Failure of International Agreements*, Berlin, Springer.
 17. Pohl, B., C. Alexander, C. Ken, G. Dabelko, A. Kramer, D. Michel ... and W. Aaron (2014). *The Rise of Hydro-Diplomacy, Strengthening Foreign Policy for Transboundary Waters*, Berlin, Adelphi.
 18. Rüttinger, M., Lukas, G. Stang, D. Smith, D. Tänzler, J. Vivekananda and ..., B. Pohl (2015). *A New Climate for Peace, Taking Action on Climate and Fragility Risks*, Adelphi.
 19. Salman, S. (2006). "International Water Disputes: A New Breed of Claims, Claimants and Settlement Institutions", *Water International Journal*, 31(1).
 20. Selby, j. (2005). "Oil and Water: The Contrasting Anatomies of Resource Conflicts", *Government and Opposition*, 40(2).
 21. Swain, A. (2013). *Understanding Emerging Security Challenges: Threats and Opportunitie*, London, Routledge.
 22. Taenzler, D., A. Carius and A. Maas (2013). "The Need for Conflict-Sensitive Adaptation to Climate Change", *The Conflict Potential of Climate Change*.
 23. Van der Zaag, P. and H. Savenije (2000). "Towards Improved Management of Shared River Basins: Lessons From the Maseru Conference", *Water Policy*.

24. Water, U. (2016). *Transboundary Waters: Sharing Benefits, Sharing Responsibilities*, UN Water.
25. Wolf, A., K. Stahl and M. Macomber (2003). "Conflict and Cooperation Within International River Basins: The Importance of Institutional Capacity", *Water Resources Update*.
26. Zeitoun, M. and N. Mirumachi (2008). "Transboundary Water Interaction I: Reconsidering Conflict and Cooperation", *International Environmental Agreements, Politics, Law and Economics*, 8(4).

